

نگاهی به عریضه، نیم بند خانم عبادی به شورای حقوق بشر سازمان ملل افسانه خاکپور

لازم به توضیح است که نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل هر چهارسال یکبار جهت رسیدگی به مسایل حقوق بشرپاره ای از کشورهای عضو بر پا میشود. از این رو گزارشاتی که به آن داده میشود از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

با اینهمه دربخش حقوق بشر سازمان ملل متحد کمیسیونهای دیگری بطور ادواری یعنی با تعدد دفعات بیشتری موارد نقض حقوق بشر را پیوسته دنبال میکنند.

در روزهای اخیر تعدادی از انجمنهای بشر دوستانه ایرانی داخل و خارج کشور و نمایندگان آنها حضور خود را در درون اجلاس شورای حقوق بشر یا در بیرون سازمان ملل برای اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران اعلام کرده اند.

گرچه دولتها و فعالان و انجمن های حقوق بشری از مدتها پیش به این جلسه فرا خوانده شده و می بایست هریک گزارشی از اوضاع حقوق بشر در کشور خود را به شورا ارایه کنند.

نامه ای بنام گزارش کامل خانم عبادی به این شورا به عنوان نماینده حقوق بشر درایران فقط چند روز پیش از اجلاس در سایت های اینترنتی بچاپ رسید.

نامه ای ناقص، دیر هنگام و شکواییه ای تکراری از طرف کسی که خود را سالهاست نماینده حقوق بشر ایران معرفی میکند. عریضه ای که نمیتوان بر آن نام یک گزارش جدی، مستدل و حقوقی گذاشت تا دادنامه ای برای یک مرجع بین المللی باشد.

در این اطلاعیه کلی و سرهم بندی، نه به آمار و ارقامی در باره تعداد واقعی اعدام شدگان، زندانیان سیاسی، یا کشته شدگان چهارسال اخیر توسط نیروهای دولتی یا لباس شخصی اشارتی رفته و نه هیچ تاریخ و زمان و مکانی در آن مشخص گردیده است.

و نه حتی از تعداد کشته ها در همین چند ماه پس از انتخابات سخنی آمده نه به موارد متعدد و مشخص جنایات ماموران دولتی و نیمه دولتی و نحوه دستگیری ضرب و شتم افراد، شکنجه های وحشیانه، تجاوز و نقض آشکار حقوق بشر درانظار جهانی استناد شده است .

ایشان بعنوان حقوقدان میدانند که تخفیف جنایت به خشونت از کیفیت جرم دولت یا ماموران آن میکاهد.

خانم عبادی بعنوان وکیل خوب میدانند که خشونت و جنایت دو مقوله حقوقی جداگانه اند و مسولیت و مجازات در مقابل آنها به یک میزان نیست.

پس بعنوان حقوقدان و وکیل نمیتوان جای جنایت را با خشونت عوض کرد و مدام در سخنرانی ها و اطلاعیه ها خواستار رفع خشونت دولت شد و نامی از جنایات نبرد.

عریضه نیم بند خانم عبادی به سازمان ملل که از برشمردن یک بیک شرایط غیرانسانی و غیر قابل قبول تحمیل شده بر مردم ایران و نهایتا از گفتن بخشی از حقایق که حتی در رسانه های جهان آمده است، خود داری کرده چه دردی را از ملت بی پناه ایران درمان میکند.

این بیانیه کدام فریاد و چه خواست حق طلبانه ای را از جانب مادران عزادار، از طرف خانواده اعدامیان از طرف خانواده زندانیان و نگرانی های عاجل آنان انعکاس میدهد.

چه شکایتی را از طرف اقلیتهای فکری، دینی، قومی و جنسی در ایران را به سازمان ملل می برد و خواهان کدام مجازات یا اقدام عاجلانه است. گرچه در جایی از نقض حقوق اقلیت های مذهبی داد سخن میراند اما درباره اعدام بی وقفه و هرروزه جوانان کرد سکوت میکند.

او از بیان جنایات خفت بار کهریزک که توسط نیروهای خودی حکومت بر ملا شد خود داری میکند و از نام بردن سایر زندانهای ایران و تعداد زندانیان و توصیف شرایط غیر انسانی آنان چشم پوشی میکند.

بدتر از همه آنکه خانم عبادی به عنوان نماینده حقوق بشر به آمار رسمی جمهوری اسلامی که تعداد اعدامی ها را چهار نفر اعلام میکند متوسل شده ، هیچ آمار و گزارش مستندی از تعداد واقعی اعدامها ، از سببیت تجاوز و شکنجه ها، از شرایط قرون وسطایی زندانها را برملا نمیکند.

حال آنکه سازمان عفو بین الملل در گزارش ۹ فوریت امسال تعداد کشته شدگان اخیر را حداقل هشتاد ۸۰ نفر و بنا به گفته مقامات رسمی دولتی همان تعداد را چهل نفر اعلام میکند. همچنین سازمان عفو بین الملل خبر از دستگیری غیر قانونی هزاران نفر میدهد.

خانم عبادی میتواند برای تکمیل اطلاعات خود حداقل به گزارش فارسی زبان ماهیانه فعالین حقوق دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی که بنحو دقیقی تعداد، موارد، محل، تاریخ و نحوه دستگیری یا مجازات اعم از اعدام سنگسار یا کشتار خیابانی را انتشار داده اند مراجعه کرده و از مدتها قبل خود را برای رودررویی با نمایندگان دولت جمهوری اسلامی آماده نماید. کافی بود ایشان بجای چاپ رمان و افتتاح موزه و دریافت جایزه از سازمان های مسلمان و مسیحی در خارج و کنفرانس برای توجیه دموکراسی و حقوق بشر اسلامی، چند روزنامه، کتاب و خاطرات زندانیان سابق را ورق بزند تا دریابد بر مردم ایران چه میروود و این مردم محروم از حقوق بشر از سازمان ملل برآستی چه میخواهند.

با وجود آنکه ایشان چهار سال تمام وقت داشته است که با تمامی امکانات و روابطی که دارد گزارشی در خور یک فعال حقوق بشر و بیانگر حقایق هولناکی که بر مردم ایران رفته است را به شورای حقوق بشر برساند.

اما می بینیم که این فرصت نادر برای انتقال خواستهای ملت ایران در مقابل سازمان ملل چگونه به شکوایه ای بی هدف برای ایشان تبدیل شده است. برخورد دو پهلوی ایشان به حقوق بشر و دموکراسی حاکی از ناتوانی و تزلزل در دادن راهکاری برا بعنوان وکیل و حقوقدان میباشد.

از جمله خواهش اعزام نماینده سازمان ملل به ایران در حالیکه صدها انسان هرآن در معرض خطر اعدام و هزاران نفر در زندانند، چیزی جر اتلاف وقت و هدر رفتن جان و زندگی انسانها نیست.

همه میدانند که اعزام نماینده به ایران ممکن است اصلا میسر نگردد یا ماهها بطول بیانجامد، گذشته از آنکه اعزام نماینده سازمان ملل بخودی خود دلیلی بر اجرای حقوق بشر نیست.

ایشان در پایان نوشته خود از سازمان ملل میخواهد که دولت جمهوری اسلامی را وادار به رعایت حقوق اقلیتهای مذهبی، زنان و شهروندان کند. باید از ایشان پرسید مگراقلیتها و زنان در ایران، در جمهوری اسلامی حقوقی هم دارند که شما خواهان رعایت آن شوید. آنچه که خانم عبادی به شورای حقوق بشر سازمان ملل آنهم بنام فعال حقوق بشری گزارش میکند در سطح یک رفع تکلیف باقی میماند چه با چنین عریضه ای سازمان ملل نیز در میماند که تفاوت گزارش مقامات رسمی دولت و نماینده حقوق بشر ایران در چیست. دهم فوریه دو هزار و ده.